
صوت کامل بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان ۹۵/۴/۱۲

تحلیلی در باره توسعه



دکتر جلیل خاوند کار

مفهوم توسعه را اشتباه ترجمه کردیم

اگر چه برای تبیین پیشرفت کشورها در دوره مازاد تولید و انقلاب صنعتی ردپایی از مفهوم توسعه در ادبیات پیشرفت دیده شد، اما طرح جدی مساله توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم و دقیقا در مقابل مفهوم رشد اقتصادی رونق گرفت.

اقتصاددانان سوسیالیست، ملی‌گرایان چپ و برخی اقتصاددانان آزاد که از وابستگی‌های اقتصادی به اردوگاه امپریالیسم ناراضی بودند و از سوی دیگر پیشرفت برخی کشورهای آسیایی یا آمریکای لاتین در سایه نظام سرمایه‌داری جهانی را با ناباوری می‌دیدند، مفهوم «توسعه» را در مقابل مفهوم «رشد اقتصادی» تقویت کردند.

تا در اردوکشی فکری جهانی دهه 60 در مقابل اقتصاددانان سرمایه‌داری حرفی برای گفتن داشته باشند. در ایران، رشد 11/3 درصدی استثنایی دهه چهل از جمله دستاویزهای این مجادلات سیاسی اقتصادی بود. در ادامه همین کشاکش فکری، اردوگاه فکری سوسیالیسم، «راه رشد غیرسرمایه‌داری» را تعریف کرد و در تاثیر و تاثر متقابل این شیوه کشورداری با آن نحوه تفکر، نظام‌های اقتصادی سیاسی نارنجی و بعضا زرد به وجود آمد که طیفی از جمال عبدالناصر، لئوپولدسدارسنگور، قوام نکرومه، احمد سوکارنو، سالوادور آلنده، هوشی مینه، تیتو، کاسترو تا معمر قذافی، صدام حسین، زیاد بارة، جعفر نومیری و عیدی امین دادا را شامل می‌شد.

اما در ایران فارغ از اردوکشی فکری چپ و راست، ما با یک مشکل مفهومی مواجه بودیم. واژه «Development» که به مفهوم فراهم‌آوری، برساختن، پیشرفت، برشدن، ارتقا، تقویت، تعالی و البته «توسعه» بود صرفا با واژه توسعه برابر نهاده شد. در حالی که واژه توسعه در فارسی یا عربی به معنای وسعت دادن، فراخ‌سازی و در اصطلاح مکانیکی به معنی گشاد کردن بود. شهردارهای ایرانی با شنیدن کلمه توسعه شروع به خیابان‌سازی کردند.

مزارع و باغات حاشیه شهرها با اقدامات مشعشعانه این شهرداران توسعه‌مدار، زیر چرخ و تیغ و فکر بولدزهای مکانیکی و انسانی آسفالت‌های ناترازی را تجربه کردند تا در دو سوی آن، خانه‌های معمولا وسیع یا بیغوله‌های در هم فرو رفته برای ذخیره عوارض توسعه ساخته شود. سدسازان با مطالعات سطحی یا عمقی شروع به ساختن صدها سد کوچک و بزرگ کردند که البته خطاهای ایشان به سال‌های اخیر مربوط نمی‌شود و سد منجیل به عنوان یکی از قدیمی‌ترین سدهای ایران جزو تجربه‌های شکست محسوب می‌شد. با این برداشت غلط از مفهوم توسعه، دو گروه در مقابل هم قرار گرفتند. طرفداران بودجه عمرانی در مقابل دولت‌های رفاه، که دومی تکلیفش روشن‌تر بود و پول مردم را با سادگی بسیار، خرج خود مردم می‌کرد، اما طرفداران بودجه عمرانی با درک غلط از مفهوم توسعه خطاهای بیشتری مرتکب شدند.

راهرویی که با سرعت بیراهه می‌رفت، اراده کرده بود تا تمام کشور را زیر پوشش آسفالت خیابان‌ها، جاده‌ها، شهرها، مرکز استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌های نوپدید به عمران و آبادانی مزین کند، غافل از اینکه غرب پراگماتیست مفهوم فراهم‌آوری و برساختن را از کلمه Development طلب می‌کرد، در این سوی دنیا آرمان‌گرایان، برنامه‌سالاران، دیوانسالاران و فن سالاران و فن ورزان و... با صدق نیت در کنار آوازه‌گران و چاپلوسان

و حرامیان و نامحرمان شهرهایی ساختند که اکنون محل خطر است. گونه‌ای از کشاورزی را توسعه دادند که هندوانه را به بهای 200 هزار تومان تولید می‌کند و 20 هزار تومان می‌فروشد.

مدارس فشننگی در روستا ساختند که کلیه اهالی آن مهاجرت کردند. حمام‌های دیم که آب روستا به آنها نمی‌رسید و از همه مهم‌تر پروژه‌های عمرانی وسیعی را زخمی کرده‌اند که دولت فعلی برای اتمام آنها 18 سال زمان لازم دارد! یعنی ما ملت به دلیل درک غلط علما، دانشگاهیان، متفکران، برنامه‌ریزان و مجریان یا شاید به جهت یک اشتباه لپی در «برابر نهاد» کردن واژه «توسعه» و باور ملا نصرالدینی این معنای غلط، 18 سال دیگر را باید تحمل کنیم.

ترجمه غلط «کارآفرینی» در علم و «خویش‌انداز» در عمل چه عوارضی خواهد داشت؟ خدا می‌داند.

منبع : [سرمقاله روزنامه کسب و کار](#)

ابراهیم عماد :

ضمن تشکر از تحلیل ارائه شده فوق که بیان واقعیات و مشاهدات عینی (Constats) هست که در برهه ای از تاریخ اکثر دست اندرکاران حکومتی سیاسی در سیستم‌های دوگانه ایدئولوژیکی مخصوصا بعد از جنگ جهانی دوم تا قبل از سالهای 1990 از عنوان «توسعه» (Développement = Development) در کادر دیپلماسی بنام «دیپلماسی سیاسی اقتصادی» در سطح بین المللی نابخردانه و صرفا مبتنی بر ایدئولوژی هائی که بدان بخوبی اشاره فرموده اید، استفاده ابزاری نموده اند.

از سال 1990 نیز بعد از فروریختن نمادین دیوار بین شرق و غرب، برخلاف انتظارات ملتها، بدون توجه به مفاهیم فرهنگی و اجتماعی کشورها، همین رویه به شکل دیگری از سوی صندوق بین المللی در قالب سیستم اقتصادی «سیستم ایجاد پول و بدهی‌ها» که عنوان «نظام نوین جهانی» را نیز یدک میکشید، ادامه، که از آن تاریخ موجبات دو سیستمی شدن دیگری را در قالب سیستم های حکومتی «سکولاری» و «دینی» در سطح بین المللی رقم زده است و نقطه مشترکی که بین این دو سیستم برخلاف تصادفهای ایدئولوژیکی دو سیستم قبل از سال 1990 وجود دارد و مشاهده میشود، استفاده هر دوی اینها از سیستم اقتصادی واحدی «سیستم ایجاد پول و بدهی‌ها» هست که این سیستم اقتصادی بظاهر «مدرن» چهره کویه خود را در سال 2008 تحت عنوان بحران سیستمیک «بدهی‌ها» که مبتنی بر سیستم ایجاد پول (الکترونیکی) بود نشان داده است و با توجه به «سیستمیک بودن این بحران»، بدون ارائه یک «برنامه ریزی حقوقی اقتصادی اساسی» جامع و منظم که برای کشورها «بدهی» ایجاد نماید، هیچ کشوری اعم از پیشرفته و در حال توسعه توان خروج از آنرا نداشته و نخواهند داشت.

با کمی دقت و مطالعه علمی کاربردی در این روند، متوجه میشویم که مشکل، در کلمه «توسعه» (Développement = Development) که در فرهنگ های مختلف برایش معانی مختلفی را میشود متصور بود و به بعضی از آنها حضرتعالی بخوبی اشاره فرموده و نهاد رهبری نیز در ملاقات بخشی از دانشجویان عزیز با ایشان، بجای کلمه توسعه، کلمه «پیشرفت» را مطرح فرموده و مورد استفاده قرار داده اند، بلکه مشکل و علت این ناملایمات اقتصادی حاکم بر جهان، عدم نظارت کافی از ناحیه نهادهای پولی و مالی بین المللی که منحصرأ اعضای آنها را نمایندگان دولتها «وزیر امور اقتصادی و دارائی و رئیس بانک مرکزی» کشورها تشکیل داده و میدهند، بر پولهای الکترونیکی ایجاد شده در کادر فاینانسهای بین المللی نسل اول (تا سال 1995) و دوم (از سل 1995 تا سال 2008) به پروژه های غالباً دولتی کشورها اختصاص داده شده و مسئولین دولتی کشورها هر روز با زدن کلنگها نوعی استفاده ابزاری از موضوع «رشد و توسعه» را در قالب دیدگاههای صرفا ایدئولوژیکی برای کشورهای خود بعمل آورده اند، بوده و میباشد.

نکته مهم، این هست که همان عدم نظارت یادشده فوق، در عمل باعث عدم استفاده کامل آن منابع تخصیصی میلیونی و میلیاردی ارزی در طرح ها و پروژه های پیش بینی شده در برنامه نویسی های دولتی و سریالی وار پنجساله کشورها و بروز فسادهای زیادی در کشورهای مختلف شده است و بخشی از آن منابع از سالهای 2000 بسوی مناطقی که بصورت قارچی وار در گوشه و کنار جهان بعنوان مناطق آزاد (Free Zone) و یا کشورهای ذره بینی فرا سرزمینی (Offshore) ایجاد شده اند، سرازیر شده است.

ورود به مباحث کلامی بصورت استفاده یا عدم استفاده از کلمه «توسعه» و پرداختن به مباحث ایدئولوژیکی بیشتر به پاک کردن صورت مسئله، بصورتیکه در علم ریاضی مطرح هست شبیه میباشد، تا یک دید عالمانه و عاقلانه!

آیا بهتر نیست و وقت آن فرا نرسیده است که بجای پاک کردن صورت مسئله و ورود به بحث های ایدئولوژیکی معمول در هر دو سیستم یادشده فوق و ایجاد دو دستگی و یا چند دستگی بین ملتها، به موضوع و مفهوم «توسعه» بصورت تکنیکی، علمی کاربردی حقوقی اساسی مبتنی بر حق مسلم حاکمیت ملتها نگاه کرده و به نیاز بر حق و واقعی ملتها توجه و آنرا با استفاده بهینه از تکنولوژیها و فناوری های نوین در قالب متدولوژی جدیدی (نه ایدئولوژیکی) که تمام آن منافذ فسادزای یادشده فوق و غیره را مسدود نماید و بدهی برای کشورها ایجاد ننماید، مطرح و در جوامع نهادینه نمائیم؟

موضوع و مفهوم «توسعه پایدار» فقط در «توسعه اقتصادی» خلاصه نمیشود، برای حرکت در مسیر توسعه پایدار، توجه همزمان به بخشهای ششگانه فعالیتی (حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و اجرایی با احترام به محیط زیست) در محیط اجتماعی و سطح بین المللی بعنوان یک ضرورت مطرح بوده و میباشد.

تکرار مکررات اتفاقات گذشته و ورود به مباحث صرفا کلامی آن اتفاقات، درجا زدن در حال بیش نبوده و نخواهد بود. ارائه راه حل های نو هست که میتواند پاسخگوی نیاز بر حق ملتها باشد، نه بحث های صرفا تقابلی.

راه حل :

نگاهی نو به توسعه حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و اجرایی پایدار

<http://ebrahimemad.net/nouvelle-vision.html>

• برنامه مگا اکونومی

<http://ebrahimemad.net/pme-fa/emad-le-pme.html>

حق یار و یاور صادقان با حقوق ملتها باد

دوشنبه چهاردهم تیرماه 1395 برابر با چهارم ژوئیه 2016
پاریس فرانسه